



روزنامه سراسری
صبح ایران

چشم پوشی از کودکان میناب، برای تندیس فرعی یک جشنواره

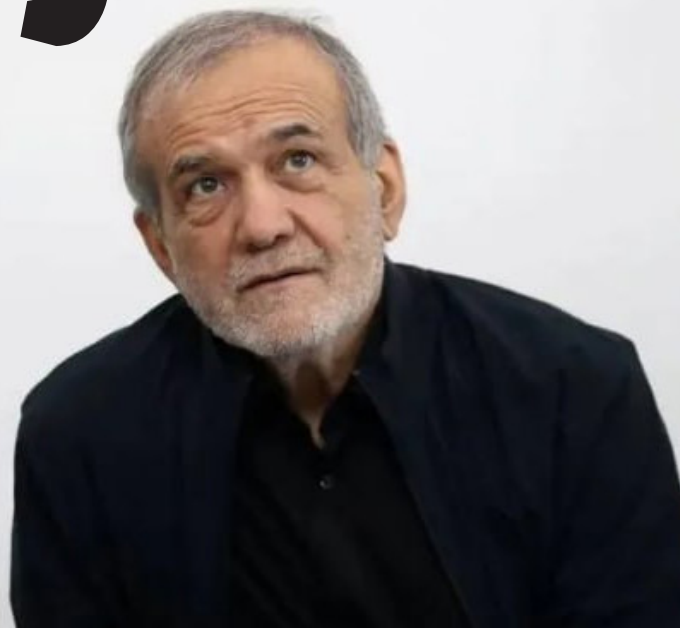
مواضع مرزبان - که البته مواضع دیگران بود و او فقط قرقره اش می کرد - سراسر منفی نبود و ناخواسته باعث شد بخشی از مردم متوجه شوند که برخی از سلبریتی های ایرانی چقدر از مرحله پرت هستند و در دنیای دیگری زیست می کنند. در حالی که ونیز امسال تحت تأثیر مسئله فلسطین بود، نو بازیگر تازه رسیده ایرانی حتی جرئت نکرد از هجوم بیگانه به کشورش سخن بگوید و کشتار زنان و کودکان بی گناه وطن خود را محکوم کند. واکنش او به گونه ای بود که انگار ۹ اسفند به کما رفته و شنبه شب در میانه اهدای جایزه به هوش آمده است.

۸



پس از یک دوره درگیری و نوسان در قیمت جهانی نفت،
طرف ایرانی از توافق بر سر مسیر جدید در تنگه هرمز خبر می دهد

دور باطل در عمان



نوبنیاد گزارش می دهد؛

برخورد قضایی با پروژه تخریب

۳

بررسی کارنامه ضعیف فرزانه صادق مالواجرد؛

رشد ۱۲۶ درصدی قیمت مسکن و رکود ۱۵.۸ درصدی ساخت و ساز

۴



فرصت سازی رئیسی؛ فرصت سوزی پزشکیان

حسین خوش رو
روزنامه نگار

صفحه ۵

اقتصادی

رانت های ارزی بازگشتند!

دولت چهاردهم با وعده حذف شکاف نرخ ارز و پایان دادن به چندنرخه بودن بازار، سیاستی را اجرا کرد که قرار بود رانت ارزی را از میان بردارد و به بازار ثبات ببخشد؛ اما هشت ماه بعد، نه تنها شکاف نرخ رسمی و آزاد از بین نرفته، بلکه از حدود ۳۰ درصد به ۴۱ درصد رسیده است.

صفحه ۲

سیاسی

سوال مجلس از عراقچی

روح الله نجابت، نماینده مردم شیراز در مجلس شورای اسلامی، با ثبت سوال رسمی از عباس عراقچی، وزیر امور خارجه، علت اتخاذ مواضع منفعلانه و عجولانه رسانه ای و تحرکات نسجیده دیپلماتیک وزارت خارجه را جویا شد.

۳۰ آبان ۱۴۰۲، در شرایطی که جنگ غزه تازه آغاز شده بود، شهید آیت الله رئیسی با پیگیری و ابتکار ایران، نشست فوق العاده مجازی سران بریکس را برای بررسی بحران فلسطین و غزه به صحنه آورد. این نشست در شرایطی برگزار شد که اعضای بریکس درباره بسیاری از مسائل اختلاف نظر داشتند، اما موضع محکم و صریح رئیس جمهور وقت ایران درباره جنایات رژیم صهیونیستی، به یکی از محورهای اصلی موضع مشترک این گروه تبدیل شد.

متن کامل در صفحه ۷

تعدادی از نمایندگان مجلس نسبت به تضعیف دستاوردهای میدانی با اقدامات نسنجیده دیپلماسی هشدار دادند

سوال مجلس از عراقچی

به کاهش قیمت نفت و ایجاد فضای تنفس برای واشنگتن منجر شده است. در همین راستا روح‌الله نجابت، نماینده مردم شیراز در مجلس شورای اسلامی، با ثبت سوال رسمی از عباس عراقچی، وزیر امور خارجه، علت اتخاذ مواضع منفعلانه و عجولانه رسانه‌ای و تحرکات نسنجیده دیپلماتیک وزارت خارجه را جویا شد.

در حالی که آتش سنگین در خلیج فارس و دریای مکران، حملات موشکی ایران به اردن، جنگ نفتکش‌ها و تسلط کامل انصارالله بر تنگه باب‌المندب، بازار جهانی انرژی را به سمت نفت ۱۱۰ دلاری سوق می‌دهد، مواضع و تحرکات دیپلماتیک تهران درست در اوج فشار اقتصادی بر آمریکا، سیگنال‌های مذاکره‌جویانه‌ای ارسال کرده که



امیرحسین درکی

روزنامه‌نگار

تنش‌زدا، دقیقاً در حساس‌ترین ساعات معاملاتی و در زمان اوج‌گیری فشار بازار بر غرب مخابره شده است؟ آیا این قانون زمانی ناشی از خلاق‌شناسی و بی‌اطلاعی از تنش بازارهای مالی است، یا سیاست تعمدی پنهانی برای مهار قیمت نفت به نفع غرب وجود دارد؟

۲. با چه منطق و مجوزی، پیش از کسب هرگونه دستاورد عینی و تضمین حقوقی، فضای تنش‌زدایی و توهم تقاهمات موقت در رسانه‌های بین‌المللی ایجاد می‌شود که نتیجه مستقیم آن، کمار شدن هزینه‌های سنگین امنیتی و تضعیف بازدارندگی نیروهای مسلح در کنترل تنگه‌های راهبردی است؟

۳. آیا در ساختار وزارت امور خارجه، پروتکل، پیوست اقتصادی یا دستورالعمل مصوبی برای سنجش اثر مواضع دیپلماتیک بر بازارهای مالی و شاخص‌های جهانی انرژی وجود دارد؟ اگر پاسخ منفی است، این قصور راهبردی و ائتلاف منابع ملی چگونه توجیه می‌شود؟ و اگر مثبت است، مبانی محاسباتی اتخاذ چنین مواضع خسارت‌باری چیست؟

۴. در قبال این تخفیف‌های خواسته و تخلیه‌ریسکی که تماماً به نفع اقتصاد دشمن تمام شده و بنچره‌تفاسی که به دولت متخاصم آمریکا داده است، وزارت امور خارجه دقیقاً چه امتیاز نقد، مسلوس و الزام‌آوری دریافت کرده است؟ آیا این اقدام فشار راهبردی، عملاً به صورت بلاعوض پیش کش شده است؟

بین‌الملل، دستگاه دیپلماسی باید در خدمت تثبیت و تقویت اهرم‌های بازدارنده باشد، نه آنکه خود به ابزاری برای کاهش هزینه‌های دشمن تبدیل شود و با هدر دادن دستاوردهای پرهزینه نظامی و امنیتی کشور، موقعیت چانه‌زنی جمهوری اسلامی را در میز مذاکرات برای تبدیل آوردن سیاسی، تضعیف کند.

با این وجود، بررسی دقیق مواضع رسانه‌ای و دیپلماتیک شاخص جبهه‌ای و سکوت خبری محترم آن وزارت‌خانه در بازه زمانی اسفند ۱۴۰۴ تا شهریور ۱۴۰۵ نشان می‌دهد که با وجود بعضی مواضع قابل تقدیر در زمان اوج‌گیری برتری‌های میدانی که با اهداف خون‌رزمندگان جبهه مقاومت و صوری اقتصادی ملت مبعوث شده ایران به دست آمده، مخابره پیام‌های تنش‌زدایی و زود‌هنگام، منجر به سقوط آنی قیمت جهانی نفت شده است. این رویکرد، عملاً به معنای کاهش فشار بر اقتصادهای متخاصم، تقلیل هزینه ماجراجویی برای آن‌ها و ایجاد اشتباه محاسباتی در دشمن است. چرا وزارت امور خارجه این ریسک تنش‌زدایی تشدید تنش را بدون دریافت هیچ‌گونه مابه‌ازای اقتصادی و سیاسی، به شکلی سخاوتمندانه، تخلیه کرده و هزینه متخاصم علیه ملت مظلوم اما مقتدر ایران را کاهش می‌دهد؟»

در این راستا پرسش‌های مشخص از جنابعالی به شرح زیر است:

۱. چرا بخش عمده‌ای از این مواضع

روز گذشته روح‌الله نجابت، نماینده مردم شیراز در مجلس شورای اسلامی با انتشار پستی از ثبت سوال خود از عراقچی، وزیر امور خارجه، خبر داد. نجابت در سوال خود از وزیر امور خارجه پرسیده است: «علت اتخاذ مواضع منفعلانه و عجولانه رسانه‌ای و همچنین تحرکات نسیجنده دیپلماسی وزارت امور خارجه که بدون توجه به شرایط بازار انرژی، منجر به کاهش قیمت جهانی نفت، تخلیه رایگان «ریسک تشدید تنش» و خنثی‌سازی اهرم‌های قدرت ملی در برابر فشارهای ایالات متحده در شرایط جنگی شده است، چیست؟»

وی در توضیحات تکمیلی سوال خود از عراقچی، آورده است: «همان‌طور که مستحضر هستید، افزایش «ریسک عرضه» در بازارهای جهانی انرژی که ناشی از تنش آفرینی‌های آمریکا و متقابلاً تنش برتری‌های میدانی و توانایی جمهوری اسلامی ایران در مدیریت گلوگاه‌های ژئوپلیتیک است، همواره به افزایش قیمت جهانی نفت می‌انجامد. بدیهی است این توانسات قیمتی که محصول تضاد منافع آمریکا، رژیم صهیونیستی و اقتصاد ستیگی بر غرب وارد کرده و در نهایت، آن‌ها را به تجدید نظر در سیاست خصمانه‌شان علیه ایران عزیز و کاهش واقعی تنش و ادار می‌سازد. در مدیریت روابط



مسئولان

مذاکره‌کننده،

دستاوردهای

میدان را با پالس

ضعف، تضعیف

نکنند!

علاوه بر این روح الله متفکرآزاد، عضو هیئت‌رئیسۀ مجلس درواکنش به مواضع عراقچی اظهار داشت: دشمن قصد دارد

با فشار اقتصادی بر کشور، ثبات داخلی، امنیت عمومی و آرامش روانی جامعه ما را هدف قرار دهد، اما در

مقابل، ما توانسته‌ایم با راهبردهای خود، دشمن را در حوزه انرژی زمین‌گیر کنیم. در شرایطی که زورآزمایی و نمایش قدرت برای اثرگذاری بر بازار انرژی به مؤلفۀ اصلی جنگ تبدیل شده، باید دست

برتر خود را تثبیت کنیم. هر پیامی که موجب اختلال در روند صعودی قیمت‌های انرژی در جهان شود، پالس غلط

است. وی ادامه داد، به مسئولان، وزارت خارجه و تیم‌های مذاکره‌کننده تاکید می‌کنم وقتی

ایران در نبرد تاب‌آوری اقتصادی در حال تثبیت پیروزی است، نباید هیچ پالسی صادر

شود که این دستاورد را تضعیف کند؛ اگر این فشار از روی دشمن برداشته شود، دشمن

فشار بر ما را افزایش خواهد داد و ما را دچار چالش می‌کند.

یادداشت

دلایل توفیقات انصارالله یمن!

سپهر خلجی
رئیس شورای اطلاع رسانی دولت سیزدهم

پیروزی‌های چشم‌گیر انصارالله یمن ناشی از زنجیره‌ای از عوامل به هم پیوسته است:

مسئولان نشان با سختی یمن را اداره می‌کنند اما می‌فهمند که نباید در برابر دشمن ضعیف‌نمایی کنند.

-نخبگان نشان مشکلات یمن را می‌دانند اما آنقدر شعور دارند که در میانه جنگ طومار تسلیم امضاء نکنند.

-ساختارشان طوری است که آمریکا پرستان قدرت نمی‌گیرند.

-مدیران نشان آنقدر عقل دارند که دندان مذاکره با دشمن را کشیده‌اند و می‌فهمند مذاکره با دشمن مبارزه نیست، عاقلانه، شرافتمندانه و هوشمندانه هم نیست.

آنقدر فهم دارند که امضای دشمن را تضمین ندانند و به آن حس خوب نداشته باشند.

در ساختارشان اگر نفوذی پیدا کنند مسئولیت نمی‌دهند، اعدایش می‌کنند.

خبر کوتاه

قاضی زاده هاشمی: ادبیات سیاسیون و دولتمردان اصلاح شود!

معاون شهید رئیسی در دولت سیزدهم گفت: اگر امنیت جلوگیری از جنگ می‌خواهیم و اگر صلح طلب واقعی هستیم، باید یک روایت قدرت به خارج که ما در موضع قدرت هستیم از ایران انجام دهیم و به درستی روایت ناتوانی دشمن را بگوییم، به جای اینکه بیایم به سستی‌های خودمان اشاره بکنیم. اینکه ما بیایم یک روایت ضعف ارائه دهیم که هنر نیست و امیدواریم که ادبیات سیاسیون و دولتمردان اصلاح شود و بعد کم‌کم شاهد توسعه آن در ادبیات مردم باشیم. به نظرم ما هنوز به این بلوغ نرسیده‌ایم که فصل انتخابات با بعد از انتخابات متفاوت است.

درخواست از قوه قضاییه برای برخورد با حسن روحانی

رئیس کمیسیون امنیت ملی در پاسخ به مواضع اخیر حسن روحانی طی سخنانی اظهار داشت: تقاضای برخورد با ایشان را به دستگاه قضایی ارسال کردیم.

نخستین جلسه رسیدگی به پرونده جنایات جنگ ۱۲ روزه برگزار شد

روز گذشته نخستین جلسه رسیدگی به پرونده جنایات جنگ تحمیلی ۱۲ (۲۲) شهریورماه (۱۴۰۵)، در شعبه ۵۵ دادگاه حقوقی بین‌الملل به ریاست قاضی حسین‌زاده و با حضور حسن عبدلیان‌پور رئیس مرکز وکلا، کارشناسان رسمی و مشاوران خانواده قوه قضاییه، دادخواهان و وکلای آن‌ها در مجتمع قضایی امام خمینی (ره) برگزار شد. قاضی حسین‌زاده در جلسه شعبه ۵۵ دادگاه ویژه رسیدگی به دعاوی بین‌الملل تهران اظهار کرد: جلسه این شعبه با تصدی ریاست دادگاه تشکیل شده و موضوع جلسه حاضر، دادخواهی ۳۵۲ هزار و ۹۸۳ نفر از ایرانیان به طرفیت دولت ایالات متحده آمریکا و سردمداران آن همچنین سردمداران رژیم صهیونیستی به خواسته مطالبه خسارت معنوی ناشی از تجاوز نامشروع و غیرقانونی به تمامیت ارضی جمهوری اسلامی ایران است.

بهارستان

مجمع نمایندگان ملت مبعوث» خواستار خروج ایران از پیمان NPT شد

شورای مرکزی «مجمع نمایندگان ملت مبعوث» در بیانیه‌ای بر ضرورت تجدیدنظر جمهوری اسلامی ایران نسبت به عضویت در پیمان منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای (NPT) تأکید کرد. مجمع نمایندگان ملت مبعوث، بر اساس مسئولیت و سؤگند یادشده برای صیانت از امنیت ملی، منافع حیاتی و دستاوردهای رهبر شهید انقلاب و دانشمندان هسته‌ای کشور، دلایل خود را جهت ضرورت و فوریت خروج جمهوری اسلامی ایران از پیمان NPT و تعریف همکاری‌های علمی، فنی و حقوقی جدید با کشورهای همسو به اعلام کرد؛ ۱. بی‌اثری کنوانسیون در تأمین امنیت تأسیسات هسته‌ای؛ ۲. تجاوز دشمن به زیرساخت‌ها و ترور دانشمندان؛ ۳. محرومیت کامل ایران از مزایای قانونی NPT؛ ۴. سوءاستفاده ابزاری از نظارت‌های آژانس؛ همچنین تصریح داشت: طبق نص صریح ماده ۱۰ پیمان NPT، «چنانچه هر یک از اعضاء معاهده تشخیص دهد حوادثی فوق العاده مربوط به موضوع این معاهده منافع عالیه کشورش را به مخاطره انداخته است این حق را خواهد داشت که در اعمال حق حاکمیت ملی خود از این معاهده کناری‌گیری نماید. این عضو باید کناره‌گیری خود را با اطلاعیه قبلی ۳ ماهه به تمامی اعضاء معاهده و به شورای امنیت سازمان ملل متحد اعلام نماید.» شورای مرکزی "مجمع نمایندگان ملت مبعوث" ضمن هشدار به طرف‌های غربی و نهادهای بین‌المللی و باتوجه به طرح‌های ثبت شده نمایندگان برای پیگیری روند قانونی، از هیات رئیسه محترم مجلس شورای اسلامی می‌خواهیم که مطابق قانون آیین نامه داخلی مجلس، فرآیند قانونی خروج کامل جمهوری اسلامی ایران از پیمان NPT و تعریف همکاری‌های جدید بین‌المللی با دوستان جمهوری اسلامی ایران را در سریع‌ترین زمان ممکن فعال سازد.



حضور مردمی در خیابان‌ها قدرت بازدارندگی نیروهای مسلح را تضمین کرده است



سردار حسن حسن‌زاده فرمانده سپاه محمد رسول‌الله (ت‌ه‌ج) تهران بزرگ صبح روز گذشته در نشست خبری اجتماع بزرگ مردمی جان‌فدای ایران طی سخنانی اظهار داشت: آنچه امروز جهانیان مشاهده می‌کنند شکست قطعی

تمام عیار آمریکا و صهیونیست‌ها در رسیدن به اهداف‌شان است و آن‌ها به هیچ‌کدام از اهدافی که اعلام کرده بودند نرسیدند و هیچ پاسخی درباره سولاتی که از آن‌ها درباره تحقق اهداف‌شان می‌شود ندارند سردار حسن‌زاده ادامه داد: تمام اهدافی که آن‌ها به دنبالش بودند امروز به مولفه‌های قدرت ملی ایران بدل شده و نظام جمهوری اسلامی منسجم‌تر از هر زمان دیگری ایستاده است. امروز به درستی همه اعلام می‌کنند آمریکا با تصمیم نابخردانه و حمله به ایران نقاط ضعف خود را نشان داده است. سردار حسن‌زاده اعلام کرد: رزمایش و اجتماعی بزرگ مردمی ۳۱۳ هزار نفری جان‌فدای ایران روز جمعه ۲۷ شهریورماه در تهران و براساس تجربیات قبلی ما در برگزاری چنین اجتماعاتی

برگزار می‌شود. این رویداد از ساعت هشت صبح آغاز شده و رژه حماسی نیروهای جان‌فدا از همان ساعت و از میدان امام حسین (ع) و تقاطع نواب تا میدان انقلاب آغاز می‌شود. فرمانده سپاه تهران عنوان کرد: از هفته گذشته ثبت‌نام برای شرکت در این اجتماع آغاز شد و در مدت کوتاهی امروز اعلام می‌کنیم که ثبت‌نام برای شرکت در این پویش از مرز ۴۰۰ هزار نفر عبور کرده و پیش‌بینی می‌کنیم تا پانصد هزار نفر نیز برسد. سردار حسن‌زاده افزود: حضور مردمی در میدان و خیابان‌ها قدرت بازدارندگی نیروهای مسلح را تضمین کرده است. از سوی دیگر از زمانی که پویش جان‌فدا ایجاد شد در سایر عرصه‌های غیرنظامی مانند صرفه‌جویی انرژی نیز از ظرفیت این پویش ایجاد شد و در آینده هم برنامه‌های بیشتری برای استفاده بیشتر از ظرفیت این پویش پیش‌بینی خواهد شد.

یادداشت

آقای پزشک‌ها! وحدت ساحات را تضعیف نکنید!

امیرحسین درکی
روزنامه‌نگار

در شرایطی که ملت قهرمان یمن طی روزهای اخیر با وارد کردن ضربات کوبنده به مزدوران سعودی ـ اماراتی و بارشادات و ایستادگی مثال‌زدنی خود، بار دیگر توانسته‌اند معادلات منطقه را تغییر دهند، استفاده رئیس‌جمهور ایران از عنوان «حوثی‌ها» در مصاحبه اخیر با شبکه ایندپا تودی، محل تأمل و پرسش جدی است.

آقای پزشک‌ها، «حوثی‌ها» یعنی چه؟ چرا باید همان ادبیاتی را به کار ببرید که سال‌هاست دشمنان مقاومت برای تقلیل، تحریف و کوچک‌نمایی واقعیت یمن به کار می‌برند؟ آیا مناسب‌ترین نیست به جای تکرار ادبیات رسانه‌های غربی و عربی مخالف مقاومت، از عنوان واقعی و شناخته‌شده «انصارالله» استفاده شود؟

انصارالله یک جریان گسترده و ریشه‌دار یمنی است که طیف‌های مختلف اجتماعی، سیاسی و قبیله‌ای را دربرگرفته و بخش مهمی از مردم یمن را نمایندگی می‌کند. تقلیل این جریان بزرگ به یک عنوان شخصی یا خانوادگی، دقیقاً همان پروژه‌ای است که سال‌ها برای بی‌اعتبارسازی مقاومت یمن دنبال شده است. چرا باید جمهوری اسلامی ایران، که پرچم‌دار حمایت از ملت‌های مظلوم است، در دام چنین ادبیاتی گرفتار شود؟

ضمن آنکه باید پرسید، مگر انصارالله غاژگر جنگ یمن بود؟ مگر این عربستان سعودی نبود که در سال ۲۰۱۵ ائتلافی نظامی تشکیل داد و طی سال‌ها مردم بی‌دفاع یمن را هدف حملات گسترده، بمباران و محاصره زمینی، دریایی و هوایی قرار داد؟

آقای پزشک‌ها، اگر قرار است جمهوری اسلامی ایران همچنان حامی مقاومت و ملت یمن باشد، طبیعی است که انتظار می‌رود ادبیات مسئولان آن نیز با این رویکرد همخوانی داشته باشد. تکرار ادبیات دشمن، حتی اگر ناخواسته باشد، نه تنها کمکی به تبیین واقعیت‌های منطقه نمی‌کند، بلکه می‌تواند پیام‌های نادرستی به دوستان و دشمنان ایران منتقل کند.

گاهی یک واژه، بازتاب‌دهنده یک نگاه و یک محاسبه سیاسی است. آقای پزشک‌ها! اظهارات شما به گوش ملت قهرمان یمن می‌رسد و این سخنان شما برای وحدت ساحات جبهه مقاومت یک سم آلوده به تفرقه است.

خبر کوتاه

۱۰۰۰ گردان مقاومت ملی جان‌فدا سازماندهی می‌شوند

قرارگاه مردمی جان‌فدای ایران در اطلاعیه شماره یک خود، اعلام کرد: پس از شکل‌گیری ظرفیت عظیم پویش جان‌فدا که تحسین دوست و تحیر دشمن را رقم زد و با توجه به استقبال بی‌نظیر و پیگیری مدام مردم برای قرارگرفتن در کنار نیروهای مسلح برای دفاع از دین و میهن هماهنگی‌های لازم با نیروهای مسلح کشور انجام شد و مقدمات مورد نیاز برای آموزش و سازماندهی ۱۰۰۰ گردان مقاومت ملی جان‌فدا فراهم گردید.

بازسازی پل‌های آسیب‌دیده در جنگ ۷۰ درصد پیشرفت داشته است

مدیرکل مدیریت بحران سازمان راهداری گفت: در مجموع حدود ۶۰ همت به پل‌ها در جنگ خسارت وارد شده که تاکنون ۲ همت اعتبار برای بازسازی آن‌ها اختصاص داده شده است.

دادستانی تهران علیه عوامل برنامه «با ضیا» و مهمانان آن اعلام جرم کرد

برخورد قضایی با پروژه تخریب

واکنش‌ها به حمله غیراخلاقی و مشکوک یک جریان سیاسی رسانه‌ای علیه شهید مظلوم سید ابراهیم رئیسی ادامه دارد. چند روز پس از انتشار اتهام‌زنی‌های سخیف میهمان یکی از برنامه‌های اینترنتی به رئیس دولت سیزدهم، دادستانی تهران از اعلام جرم علیه عوامل و میهمان این برنامه خبر داد. این اقدام دستگاه قضایی پس از انتقادات گسترده نسبت به اظهارنظر یک بلاگر اقتصادی علیه دانش اقتصادی شهید رئیسی صورت پذیرفت.

جعفر کاظمی
روزنامه‌نگار

نیز برخورد قضایی صورت خواهد پذیرفت یا خیر.

موج حمایت‌ها از شهید مظلوم

از دو روز قبل و با حمله پروژه‌ای و سازماندهی شده به شهید رئیسی، شبکه‌های اجتماعی عرصه ابراز ارادت و قدردانی چهره‌ها و طیف‌های مختلف نسبت به خدمات ماندگار شهید رئیسی شد. از اشاره به

عملکرد اقتصادی مطلوب دولت سیزدهم که رضایت رهبر شهید را به دنبال داشت تا اشاره به سوابق کلان و مهم شهید رئیسی طی سال‌های طولانی. بسیاری از کاربران نیز با مقایسه شرایط اقتصادی فعلی با دوره سه ساله شهید رئیسی و قیمت کالاها در آن دوره، نسبت به پشت‌پرده تخریب‌های اخیر هشدار دادند.

اشاره به تدابیر شهید رئیسی در عضویت ایران در شانگهای و بریکس و کارایی عضویت کشورمان در این دو اجلاس بین‌المللی در شرایط فعلی و حمایت‌های کشورهای عضو از ایران در برابر جنگ با آمریکا دیگر موضوعی بود که توسط کاربران برای تمجید از شهید رئیسی بدان اشاره شد.

از جمله ویدئوهای پربازدید در شبکه‌های اجتماعی که در پی توهین اخیر یک بلاگر اقتصادی به شهید



رئییسی و ایرال شد، فیلم سخنان سعید لیلز اقتصاددان اصلاح‌طلب و عضو حزب کارگزاران سازندگی درباره عملکرد اقتصادی شهید رئیسی بود. لیلز در این گفتگو که مربوط به چند سال قبل است، اذعان داشته است: در حوزه اقتصاد، عملکرد رئیسی موفق‌تر از آنی بود که تصور می‌شد، ولو اینکه کسی حاضر نیست بیاید و این را بگوید. وی می‌افزاید: هیچ شاخص اقتصادی نبود که در پایان دولت رئیسی بهتر از ابتدای آن نشده باشد؛ حتی در بخشی از شاخص‌ها ما از وضعیت سال ۹۶ (دوره برجام) هم عبور کرده‌ایم. وی همچنین با اشاره به رسیدن نرخ بیکاری در پایان دولت شهید رئیسی به پایین‌ترین میزان در ۲۰ گذشته تصریح داشت: احزاب سیاسی برای اهداف خودشان بی‌انصافی می‌کنند اما من کارشناس به آمارها نگاه می‌کنم.

روز گذشته و در راستای صیانت از افکار عمومی و برخورد با انتشار مطالب خلاف واقع و تشویش اذهان، علیه عوامل تولید و مهمانان برنامه اینترنتی «با ضیا» از سوی دادستانی تهران اعلام جرم شد. علیه مجری و تهیه‌کننده برنامه اینترنتی «با ضیا» و دو تن از مهمانان این برنامه به دلیل طرح ادعاهای کذب اقتصادی و اظهارات غیرمستند در برنامه‌های اخیر این مجموعه، از سوی دادستانی تهران اعلام جرم شد. گفتنی است اعلام جرم علیه این افراد به دلیل اظهارنظرهای خلاف واقع تعدادی از مهمانان اخیر این برنامه پیرامون مسائل ارزی و پخش آن در برنامه «با ضیا» بوده است که در همین راستا علیه مهمان و عوامل تولید آن اعلام جرم شده است.

طبق این گزارش، اتهام‌زنی‌های اخیر رسانه‌های نزدیک به دولت چهاردهم علیه شهید رئیسی در شرایطی طی هفته‌های اخیر اوج گرفت که بسیاری از کارشناسان این رویکرد را مرتبط با شرایط وخیم اقتصادی و افزایش قیمت دلار ارزیابی کرده‌اند تا از قبل این حاشیه‌سازی‌ها، افکار عمومی از مدیریت ضعیف دولت منحرف شود. با حال و علیرغم اعلام جرم دستگاه قضایی علیه برنامه با ضیا، مشخص نیست با رسانه‌های نزدیک به دولت مانند آوش که مطلب توهین‌آمیز اخیر را ضربه زده‌اند

از وعده و شرمندگی دولت تا خوراک دام شدن گندم



هفته گذشته در روزنامه «نوبنیاد» گزارشی با عنوان «امنیت غذایی قربانی بدهد دولت» نوشتیم. در آن گزارش تأکید شد که با وجود ثبت رکورد بی سابقه تولید ۱۴۰۱ میلیون تن گندم، تأخیر در پرداخت مطالبات کشاورزان، توازن امنیت غذایی کشور را برهم زده است. حالا در تأیید این گزارش، اکبر فتحی، معاون برنامه ریزی و امور اقتصادی وزارت جهاد کشاورزی، در گفت و گو با مهر، ابعاد جدیدی از این بحران را تشریح کرد. او ضمن اشاره به افزایش چشمگیر مصرف گندم در حوزه خوراک دام به دلیل پیشی گرفتن قیمت جواز گندم، تأکید کرد که دولت در پرداخت مطالبات شرمنده کشاورزان است. او درباره وضعیت نگران کننده مصرف گندم در صنعت دام و طیور گفت: سال گذشته حدود ۵۰۰ هزار تن گندم به خوراک دام و طیور رسید، امسال

این مقدار به دلیل قیمت بالای جوشدت گرفته و پیش بینی می شود این عدد به ۹۰۰ هزار تن برسد. وی با تأیید وضعیت دشوار معیشتی کشاورزان و تأثیر آن بر چرخه عرضه محصول به سیلوهای دولتی، تصریح کرد: قسمتی در انبارهای خود کشاورزان باقی مانده که علت اصلی برمی گردد به عدم پرداخت پول کشاورزان و ما شرمنده آنها هستیم. طبیعتاً وظیفه خود می دانیم دستمزد و حق الزحمه آنها را در قبال زحمتی که کشیده و محصولی که تحویل دولت داده اند به فوریت پرداخت کنیم.

معاون وزیر جهاد کشاورزی در پاسخ به چرایی استفاده از گندم در دامداری ها و کیفیت آن، تصریح کرد: به مصرف دام رسیدن گندم امری غیرعادی نیست؛ به طوری که در حال حاضر مجوز واردات گندم دامی هم گرفته شده است. آنچه در طول سالیان گذشته برای

مصارف دام و طیور در نظر گرفته می شده، گندم کیفی نبوده و در حال حاضر هم گندم مصرفی دام محصول کیفی نیست. او در پایان با وعده تسویه مطالبات تا پایان شهریورماه، خاطرنشان کرد: در این حوزه با توجه به شرایطی که کشور دارد و درآمدی که به باید ایجاد می شد از محلی که در قانون بودجه دیده شده بود و حاصل نشد، بناسبت از محل های دیگر تامین و پرداخت شود تا دین ما به کشاورزان ادا شود. با این حال باید گفت که شرمندگی دولت از تأخیر در پرداخت مطالبات، دردی از سفره خالی کشاورزان دوانمی کند. امنیت غذایی کشور با عذرخواهی تأمین نمی شود؛ وقتی تولیدکننده نقدینگی لازم برای کشت پاییزه را ندارد، این «شرمندگی» عملاً چیزی جز هدررفت سرمایه ملی و تضعیف توان تولید نیست. اکنون زمان عمل است، نه تکرار وعده های بی سرانجام.

بررسی کارنامه ضعیف دوساله فرزانه صادق نشان می دهد؛

رشد ۱۲۶ درصدی قیمت مسکن ورکود ۱۵.۸ درصدی ساخت و ساز

فرزانه صادق، وزیر راه و شهرسازی دولت مسعود پزشکیان روز گذشته، در جلسه پایش طرح های حمایتی مسکن در اظهاراتی فراقطانه مدعی شد که «مردم در مقطعی با «گفتار درمانی» در حوزه مسکن معطل شده اند و اگر واقعیت هزینه ساخت از ابتدا شفاف اعلام می شد، امروز شاهد این حجم از نارضایتی و بی اعتمادی نبودیم.» این سخنان در شرایطی مطرح می شود که متهم اصلی این فراقطنی، کارنامه شخص وزیر و سیاست های اقتصادی دولت چهاردهم است.

اقتصادی، بخش ساختمان با ثبت رشد منفی ۱۵.۸ درصدی در سال گذشته، در صدر عمیق ترین رکود در میان تمامی فعالیت های اقتصادی کشور قرار گرفت. این سقوط نه یک رویداد تصادفی، بلکه حاصل ریزش مداوم در تمامی فصول بوده است؛ به گونه ای که رشد این بخش در فصل اول منفی ۱۴.۲، در فصل دوم منفی ۱۱.۸، در فصل سوم منفی ۲۳ و در فصل چهارم منفی ۷.۴ درصد ثبت شد. کارنامه فرزانه صادق در وزارت راه و شهرسازی یعنی انجماد تولید، فرار سرمایه گذاران، قفل شدن تسهیلات و توقف پیشرفت پروژه های نیمه تمام با توجیه عدم صرفه اقتصادی؛ وضعیتی که بیش از ۲۰۰ رشته شغلی وابسته به این صنعت را به رکود کشانده است. مجید گودرزی، کارشناس مسکن، با انتقاد مدیریت ناکارآمد بخش مسکن، گفت: سهم مسکن از سبد هزینه خانوارهای مستأجر به ۷۰ درصد رسیده، در حالی که استاندارد جهانی رقمی معادل ۲۵ تا ۳۰ درصد است. از سوی دیگر، تسهیلات بانکی با اقصا ط ما هانه سنگین، عملاً برای اقشار فرودست غیر قابل استفاده است و بیش از آنکه گر ه گشا باشد، ناتوانی خریداران را تشدید کرده است. فرشید ابالاتی دیگر کارشناس مسکن می گوید: اگر چه رشد نهاده ها قیمت ساخت را بالا برده، اما علت العلل این فاجعه احتکار زمین، انفعال در عرضه اراضی و سهم ۷۰ درصدی قیمت زمین در بهای نهایی مسکن است.

فرزانه صادق باید به این سوال پاسخ دهد که اگر دولت گذشته متهم به معطل کردن مردم با گفتار درمانی بود، دستاورد این دوره وزارت راه و شهرسازی ثبت میانگین متری ۲۰۰ میلیون تومان، رشد منفی ۱۵.۸ درصدی تولید ساختمان و تورم سه رقمی مصالح چه بوده است؟ گفتار درمانی واقعی دقیقاً همین رفتاری است که امروز در پیش گرفته شده؛ یعنی ناتوانی در مهار تورم و افزایش نرخ ارز، متوقف ساختن لوکوموتیو تولید مسکن، نظاره گر بودن در برابر پرواز اجاره بها و در نهایت پشت تریبون نشستن و لفاظی علیه دیگران. امروز مردم در بازار اجاره و خرید با واقعیت های تلخ مواجه اند.

میلیون تومان رسیده است؛ اعدادی که با هیچ منطق مزی و درآمدی در کشور همخوانی ندارند.

انفجار ۱۰۶ درصدی قیمت مصالح ساختمانی

ریشه این بحران کجاست؟ پاسخ این پرسش در سیاست های ارزی دولت چهاردهم، رهاسازی قیمت ارز و عدم مدیریت زنجیره تأمین نهاده های ساختمانی نهفته است. براساس گزارش مرکز آمار ایران، تورم فصلی مصالح ساختمانی در زمستان سال ۱۴۰۴ عدد ۳۶ درصد را نشان می داد که در بهار نیز با ثبت رشد ۲۰.۷ درصدی، نهاده های ساختمانی با تورم نقطه به نقطه کم سابقه ۱۰۶.۸ درصدی مواجه شدند؛ آماری که تأیید می کند قیمت مصالح ساختمانی طی یک سال بیش از دو برابر شده است. همچنین تورم سالانه نهاده ها با جهشی ۱۸.۲ واحد درصدی طی تنها یک فصل، از ۶۱.۸ درصد به رقم تکان دهنده ۸۰ درصد رسیده است.

ایرج رهبر، رئیس کمیسیون عمران اتاق بازرگانی تهران و رئیس انجمن انبوه سازان، در خصوص پیامدهای این گرانی می گوید: در حال حاضر هزینه ساخت هر متر مربع مسکن معمولی در تهران به طور میانگین به ۴۰ تا ۴۵ میلیون تومان رسیده و در برخی پروژه ها تا متری ۷۰ تا ۸۰ میلیون تومان بالا رفته است. او افزود: متوسط قیمت مسکن در پایتخت اکنون به ۲۵۰ تا ۳۰۰ میلیون تومان و در جنوب شهر به ۱۵۰ میلیون تومان رسیده است؛ وضعیتی که موجب شده زمان انتظار یک فرد با درآمد متوسط برای خرید خانه به مرز محال و غیر قابل باور ۱۰۰ سال برسد. رئیس انجمن انبوه سازان تأکید کرد که بازار مسکن وارد یک رکود توری کامل شده است.

سقوط آزاد تولید؛ رشد منفی ۱۵.۸ درصدی بخش ساختمان

همین وضعیت موجب شده تا تولید در بخش ساختمان به تاریک ترین نقطه سال های اخیر سقوط کند. بر اساس گزارش بانک مرکزی از تحولات



نیما سهیلی

روزنامه نگار

قیمت ها روی مدار ۱۱۰ میلیون تومان استوار شده است.

رشد ۱۲۶ درصدی قیمت مسکن در دو سال

بررسی معاملات مسکن تهران در مرداد ۱۴۰۳ نشان می دهد که در مناطق ۱ و ۳ پایتخت با متوسط قیمت های بالای ۱۴۰ میلیون ریال در هر متر مربع و مناطق جنوبی مانند منطقه ۱۸ با متوسط حدود ۴۲ میلیون تومان معامله می شدند. در آن زمان میانگین کل قیمت هر متر در شهر تهران حدود ۸۸ میلیون و ۵۰۰ هزار تومان بود. اما امروز و پس از دو سال مدیریت وزارت فرزانه صادق میانگین قیمت مسکن پایتخت با جهشی سهمگین از مرز ۲۰۰ میلیون تومان عبور کرده؛ یعنی جهشی ۱۲۶ درصدی که معادل بیش از دو برابر شدن قیمت در تنها ۲۴ ماه است. این افزایش لجام گسیخته تنها به قیمت های فروش محدود نمانده و فاجعه اصلی در بخش اجاره بها رخ داده است. نگاهی به وضعیت اجاره بها در مناطق ۲، ۴، ۵ و ۲۲ تهران افزایشی شدید اجاره مسکن را نشان می دهد. برای یک واحد ۸۰ متری در سعادت آباد، ودیعه ۲.۵ میلیارد تومانی همراه با ۱۵ میلیون تومان اجاره یا یک میلیارد تومان ودیعه ۵۰ میلیون تومان اجاره ماهانه درخواست می شود. در شهر غرب اجاره ماهانه یک واحد ۱۰۰ متری به عدد باور نکردنی ۱۰۵ میلیون تومان رسیده و در محله هایی مانند گیشا و ستارخان، ارقامی چون ۶۹ و ۴۰ میلیون تومان اجاره در ماه مطالبه می شود. میانگین ودیعه در نمونه های رصد شده به حدود یک میلیارد و ۵۸۰ میلیون تومان و اجاره ماهانه به حدود ۲۴.۵

فرزانه صادق در حالی زبان به انتقاد از گذشته گشوده که بر اساس تمامی شاخص های کلان و آمارهای، دوران تصدی او ضعیف ترین و پر خسارت ترین دوره مدیریت مسکن پس از پیروزی انقلاب اسلامی را نشان می دهد. ادبیات تکراری فرار به جلو و متهم کردن دیگران، دیگر قادر به پنهان سازی ناکارآمدی ساختاری، انفعال محض در تولید مسکن، و پیامدهای مخرب سیاست های ارزی دولت بر سفره و سرپناه خانواده ها نیست. صورت مسئله ای که وزیر مسکن و شهرسازی غامدانه آن را وارونه جلوه می دهد، واقعیت های کف بازار در فاصله آغاز به کار دولت تا امروز است. در نقطه شروع دولت چهاردهم، بازار مسکن اگر چه تحت فشارهای تورمی قرار داشت، اما برای خانواده های طبقه متوسط و کارگری در مناطق جنوبی پایتخت، دستیابی به واحد هایی با قیمت زیر متری ۱۰۰ میلیون تومان و حتی در مواردی متری ۷۰ تا ۸۰ میلیون تومان یک رویا تلقی نمی شد؛ اما در سایه رهاسازی کامل بازار، امروز خانه متری زیر ۱۰۰ میلیون تومان به خاطر ها پیوسته است. بررسی های میدانی در شهر تهران نشان می دهد که میانگین قیمت مسکن در پایتخت با جهشی سهمگین از مرز متری ۲۰۰ میلیون تومان عبور کرده است. در مناطق شمالی و برخوردار (مناطق ۱ تا ۳) اعداد و ارقام به متری ۵۵۰ میلیون تومان رسیده و در مناطقی نظیر منطقه ۱۲ نیز کف

تالار شیشه ای

تداوم صعود بورس با وجود افزایش عرضه ها

معاملات بازار سهام دیروز (یکشنبه ۲۲ شهریور ۱۴۰۵) در ادامه روند صعودی روزهای گذشته با برتری محسوس تقاضا و خریداران آغاز شد. در آغاز دادوستدها، ۹۶ درصد نمادها سبزپوش بودند و بخش بزرگی از نمادها در صف خرید قرار داشتند؛ به طوری که تعداد صف های خرید به حدود ۴۵۰ نماد رسید. با این حال، در نیمه دوم معاملات عرضه ها افزایش یافت. در پایان معاملات، ۶۵۳ نماد مثبت و ۲۰۶ نماد منفی بودند؛ یعنی حدود ۲۴ درصد نمادها در محدوده قرمز قرار گرفتند. همچنین تعداد صف های خرید به ۳۵۴ مورد و صف های فروش به ۵۸ مورد رسید. مجموع ارزش معاملات بورس تهران و فرابورس ایران به حدود ۱۰۸ هزار میلیارد تومان رسید. ارزش کل بازارهای سهام ایران (بورس، فرابورس و بازار پایه) در محدوده ۲۵ هزار و ۳۱۰ هزار میلیارد تومان قرار گرفت. ارزش معاملات خرد سهام و صندوق های سهامی، نیز ۵۱ هزار و ۶۵۲ میلیارد تومان ثبت شد که در مقایسه با حدود ۴۲ همت روز شنبه، افزایش قابل توجهی را نشان می دهد. جریان نقدینگی حقیقی نیز همچنان به نفع بازار سهام بود. در دومین روز هفته ۵ هزار و ۶۱۴ میلیارد تومان پول حقیقی وارد چرخه سهام و صندوق های سهامی شد. بیشترین ورود پول حقیقی به گروه های تولید فلزات گرانبهای غیر آهن، آهن و فولاد و بانک ها و مؤسسات اعتباری اختصاص داشت. در مقابل، صندوق های درآمد ثابت با خروج ۲ هزار و ۸۳۱ میلیارد تومان نقدینگی مواجه شدند.

شاخص کل بورس تهران با رشد ۱۵۳ هزار و ۸۶۲ واحدی (۲.۱۱ درصد) در سطح ۷ میلیون و ۴۳۱ هزار و ۴۵۰ واحد ایستاد. شاخص کل حتی تا محدوده ۷ میلیون و ۴۴۴ هزار واحد نیز پیش رفته بود که با ورود فروشنده ها بخشی از رشد خودش را از دست داد. شاخص هم وزن نیز با رشد ۳۰ هزار و ۷۴ واحدی (۱.۵۲ درصد) افزایش یافت و به ۲ میلیون و ۲ هزار و ۶۶۰ واحد رسید. شاخص کل فرابورس هم با رشد ۹۸۳ واحدی (۱.۷۵ درصد) در ارتفاع ۵۷ هزار و ۲۶۵ واحد قرار گرفت. شاخص ۳۶ صنعت از مجموع ۴۱ صنعت صعودی بود و میانگین رشد صنایع به ۱.۴۱ درصد رسید. محصولات چرمی با رشد ۲.۹۷ درصدی صدرنشین بود و زغال سنگ، سایر معادن، منسوجات و فلزات اساسی نیز عملکرد قدرتمندی داشتند. در مقابل، وسایل ارتباطی بیشترین افت را ثبت کرد و پس از آن تأمین آب، برق و گاز، هتل و رستوران، استخراج نفت و محصولات کامپیوتری و الکترونیک قرار گرفتند. همچنین شاخص ۲۴ صنعت در بالاترین سطح تاریخی خود قرار گرفت. بازار سهام اگر چه در نیمه دوم معاملات دیروز با افزایش عرضه روبه رو شد، اما ورود پول حقیقی (خریداران) نشان داد که روند صعودی و قدرت تقاضا همچنان در بازار سهام پابرجاست.

نوبنیاد با توجه به شکست سیاست ارزی دولت گزارش می‌دهد؛

رانت‌های ارزی بازگشتند!

دولت چهاردهم با وعده حذف شکاف نرخ ارز و پایان دادن به چندنرخ بودن بازار، سیاستی را اجرا کرد که قرار بود رانت ارزی را از میان بردارد و به بازار ثبات ببخشد؛ اما هشت ماه بعد، نه تنها شکاف نرخ رسمی و آزاد از بین نرفته، بلکه از حدود ۳۰ درصد به ۴۱ درصد رسیده است. در همین مدت، نرخ دلار آزاد نیز ۵۸ هزار تومان در زمان تحویل دولت

به پزشک‌یان به بالای ۲۳۰ هزار تومان افزایش یافته است. هم‌زمان، اظهارات برخی مقام‌های دولتی درباره صفر شدن درآمد نفت و ناچار بودن دولت به چاپ پول، بر انتظارات تورمی و نگرانی فعالان اقتصادی افزوده است؛ وضعیتی که پرسش‌هایی جدی را درباره نتیجه سیاست ارزی دولت ایجاد می‌کند.

شکاف نرخ ارز آزاد و نیمایی



هادی هدایت زاده

روزنامه‌نگار

یکی از انتقادات دولتمردان کنونی به دولت سیزدهم، اختلاف نرخ ارز در بازار رسمی (مرکز مبادله) و بازار آزاد بود. منتقدان دولت شهید رئیسی و در رأس آن‌ها رئیس کل کنونی بانک مرکزی، با «رانت» خواندن این شکاف، وجود این اختلاف قیمتی را نشانه نادرست بودن و شکست سیاست ارزی دولت وقت می‌دانستند. پس از تغییر دولت و رسیدن همتی به صندلی وزارت اقتصاد، وی بارها از لزوم تک‌نرخ کردن ارز و حذف نرخ‌های رسمی سخن گفت. در نهایت دی‌ماه سال گذشته، پس از آنکه همتی جانشین فرزین در بانک مرکزی شد، ایده خود را اجرا کرد.

شکست سیاست همتی

یکی از استدلال‌های همتی برای افزایش یک‌باره نرخ ارز نیمایی و حذف ارز ترجیحی در دی‌ماه سال گذشته، حذف یا دست‌کم کاهش شکاف نرخ ارز رسمی و بازار آزاد بود. رئیس کل بانک مرکزی و دیگر طرف‌داران این سیاست مدعی بودند با افزایش نرخ رسمی ارز، حتی نرخ آزاد کاهش می‌یابد، بازار ارز آرام می‌شود و شکاف نرخ یا به اصطلاح آن‌ها «رانت» از بین می‌رود. اکنون با گذشت هشت‌ماه از اجرای این سیاست، شکاف نرخ آزاد و نیماروندی صعودی دارد. بررسی داده‌های بازار ارز نشان می‌دهد اختلاف نرخ ارز در هفته‌های پایانی دولت سیزدهم و آغازین دولت پزشکیان حدود ۳۰ درصد بود. همتی با هدف حذف این شکاف قیمتی، نرخ ارز رسمی را در دی‌ماه سال گذشته به‌طور ناگهانی بالا برد تا به نرخ بازار آزاد نزدیک شود و این شکاف برچیده شود. آخرین آمارها نشان می‌دهد این شکاف تا روز گذشته به ۴۱ درصد افزایش یافته است. اکنون اما دیگر خبری از انتقاد همتی و هم‌فکرانش از این شکاف قیمتی نیست. شکاف یادشده همچنان پابرجاست، با این تفاوت که نرخ ارز رسمی و آزاد سربه فلک کشیده است. تشدید شکاف بازار ارز در دولت پزشکیان با وجود افزایش مداوم نرخ ارز رسمی، البته عوامل مختلفی دارد.

سیگنال تهدید دولت به بازار ارز

یکی از عواملی که به گفته بسیاری از کارشناسان باعث التهاب بازار ارز طی

هفته‌های اخیر شد، سیگنال‌های مخرب مقامات دولت، به‌خصوص رئیس دولت و رئیس کل بانک مرکزی بود. در شرایطی که افکار عمومی و فعالان اقتصادی در انتظار مدیریت بازار و بازگشت آرامش بودند، مواضع مطرح‌شده نه تنها آرامش بخش نبود، بلکه حاوی سیگنال‌هایی برای افزایش قیمت دلار بود. نرخ دلار در زمان تحویل دولت به مسعود پزشکیان ۵۸ هزار و ۴۱۰ تومان بود. این نرخ پیش از آغاز جنگ (۷ اسفند ۱۴۰۴) به ۱۶۶ هزار و ۳۶۰ تومان رسید و رشد ۱۸۴.۸ درصدی را تجربه کرد. پس از آغاز جنگ، نرخ ارز اندکی کاهش یافت و در پایان سال ۱۴۰۴ (۲۸ اسفند) روی ۱۵۹ هزار و ۲۸۰ تومان بسته شد. از ابتدای سال جاری تا ۲۷ مرداد نیز ۱۲.۴ درصد رشد، نرخ دلار به ۱۸۷ هزار تومان رسید؛ اما جهش اخیر، نقطه عطف دیگری بود که پس از سیگنال عبدالناصر همتی به بازار ایجاد شد.

رئیس کل بانک مرکزی دولت پزشکیان، ۲۹ مرداد در یک گفت‌وگوی تلویزیونی گفت: «درآمد کشور از فروش نفت صفر شده است». این جمله در شرایطی بیان شد که بازار ارز پیش از آن نیز با افزایش انتظارات تورمی، نگرانی درباره آینده و ابهام‌های سیاسی و اقتصادی روبه‌رو بود. طبیعی است که چنین اظهارنظری از سوی عالی‌ترین مقام پولی کشور، برای مردم و فعالان اقتصادی سیگنال و پیام مهمی به همراه داشته باشد.

جعفر قائم‌پناه، معاون اجرایی رئیس‌جمهور نیز گفت: «دولت به دلیل ناترازی بودجه ناچار به چاپ پول است.» کنار هم قرار گرفتن این اظهارنظرها، از نگاه فعالان اقتصادی به معنای تشدید محدودیت‌های ارزی و افزایش احتمال رشد پایه پولی و تورم تلقی می‌شود. با این حال، کارشناسان معتقدند تحول سیاسی یا اقتصادی خاصی که بتواند چنین جهش سریعی را در نرخ ارز توضیح دهد، رخ نداده بود؛ حتی تشدید تحریم‌های آمریکا نیز موضوعی نبود که بازار از قبل از آن بی‌اطلاع باشد؛ بنابراین، بخش عمده‌ای از افزایش نرخ ارز طی دو هفته گذشته، ناشی از تغییر انتظارات پس از اظهارات مقام‌های دولت چهاردهم است.

انفعال دولت در قبال تراسی‌ها

طی ماه‌های اخیر، افشاگری‌های متعددی درباره نقش تراسی‌ها در حبس منابع

نفتی کشور و التهاب بازار ارز صورت گرفته است. به عنوان نمونه، نماینده مردم تهران در نطق میان‌دستور خود در جلسه علنی یکشنبه ۱۵ شهریورماه، با بیان اینکه اکنون اقتصاد در شرایط جنگ تمام‌عیار است، گفت: «به عنوان مثال، بیش از ۸۶ میلیون بشکه نفت کشور بدون اخذ تضمین و به‌صورت اعتباری به یک شخص واگذار شده و تنها ۳۰ میلیون بشکه به خریدار نهایی منتقل شده و سرنوشت بیش از ۵۶ میلیون بشکه نفت نامشخص است.» حسین صمصامی ادامه داد: «نتیجه این اقدام، معوق ماندن چند میلیارد دلار از سرمایه‌های بیت‌المال در گرو یک فرد بی‌سروپا در ناکج‌آباد دنیاست و مسئولان وزارت نفت، از جمله شخص وزیر و مدیرعامل شرکت ملی نفت، باید پاسخگو باشند.»

دو روز پس از این اظهارات، توضیحات سید علی کاظمی، سخنگوی قوه قضاییه در نشست خبری ۱۷ شهریورماه، ابعاد جدیدی از تارک خانه ارزی موسوم به «تراسی‌ها» را نمایان کرد. براساس آمار اعلامی، پرونده به‌هکاران ارزی تراسی شامل رقمی حیرت‌انگیز معادل ۱۰ تا ۱۱ میلیارد یورو بدهی ارزی است. دستگاه قضا در برخورد با این تاراج منابع ملی، ۶۸ پرونده تشکیل داده که به صدور ۴۹ قرار جلب به دادرسی، ۱۹ کیفرخواست، بازداشت ۲۲ متهم و صدور دستور جلب برای ۱۹ نفر انجامیده است.

کشف و توقیف دارایی‌های نجومی این مفسدان ارزی شامل ۲ کارخانه عظیم، بیش از ۱.۸۶ میلیون مترمربع املاک، ۸۶ واحد آپارتمان، ۸۶ خودروی لوکس و گران‌قیمت و صدها سیمکارت نشان‌دهنده عزم راسخ قوه قضاییه در بازپس‌گیری حقوق عامه است؛ فرایندی که تاکنون به استرداد ۳۶۳ میلیارد تومان اموال به صورت تهازل و نقدی منجر شده است. علاوه بر پرونده تراسی‌ها، در حوزه متعهدان ارزی صادرکننده نیز با تشکیل ۸۳۲ پرونده، ۴۵ بازداشت، ۲۶ کیفرخواست و ۲۸ رأی نهایی، پیگیری‌های فشرده و دادستانی تهران توانسته است بیش از ۸.۵ میلیارد یورو ارز حاصل از صادرات را از دی‌ماه گذشته تاکنون مستقیماً به خزانه کشور بازگرداند و وضعیت ۲۵ میلیارد یورو تعهدات اداری را شفاف و تعیین تکلیف کند.

نبض اقتصاد

نسخه بانگ مرکزی؛ صندوق‌های ارزی درمان یا مُسکن موقت؟

بانک مرکزی خرداد امسال، شیوه‌نامه صندوق‌های سرمایه‌گذاری با درآمد ثابت ارزی را تصویب کرد که براساس آن، اشخاص حقیقی و حقوقی می‌توانند با اسکناس یا حواله ارزی در این صندوق‌ها سرمایه‌گذاری کنند. حالا قرار است این هفته از این صندوق‌ها رونمایی شود؛ ابزاری که قرار است بخشی از ارزهای نگهداری‌شده توسط مردم را از خانه‌ها و صندوق‌های شخصی به چرخه رسمی اقتصاد منتقل کند. ایده در نگاه نخست جذاب است؛ زیرا مردم به جای نگهداری فیزیکی اسکناس برای حفظ ارزش دارایی خود، ارز را در صندوق سرمایه‌گذاری می‌کنند، سود ارزی دریافت می‌کنند و این منابع نیز در اختیار فعالیت‌های تولیدی و ارزآور قرار می‌گیرد. رحیم پازوکی، کارشناس مسائل پولی و ارزی، می‌گوید: صندوق‌های درآمد ثابت ارزی می‌توانند یکی از گام‌های مهم برای سامان‌دهی منابع ارزی مردم باشند. در حال حاضر بخشی از ارز کشور به‌صورت اسکناس در منازل، صندوق‌های شخصی و خارج از چرخه رسمی اقتصاد نگهداری می‌شود و اگر ابزار مالی قابل اعتماد، شفاف و با نقدشوندگی مناسب ایجاد شود، این منابع می‌تواند به سمت فعالیت‌های تولیدی و سرمایه‌گذاری مولد هدایت شود.

مسئله دقیقاً همین جاست؛ صندوق ارزی بیش از آنکه با چالش اقتصادی مواجه باشد، با بحران اعتماد روبه‌رو است. مردم تجربه سپرده‌های ارزی سال‌های گذشته را فراموش نکرده‌اند؛ تجربه‌ای که در برخی موارد به جای بازپرداخت ارز، تسویه ریالی با نرخ‌های رسمی را به همراه داشت؛ بنابراین دولت نمی‌تواند صرفاً با اعلام اینکه «تسویه ریالی ممنوع است»، انتظار استقبالی گسترده داشته باشد. سرمایه‌گذار باید مطمئن باشد ارزی که امروز تحویل می‌دهد، هنگام نیاز، با همان نوع ارز و بدون موانع اداری به او بازگردانده می‌شود. از سوی دیگر، نباید نقش رکن ضامن را با تضمین دولت یا بانک مرکزی یکی دانست. پازوکی در این باره می‌گوید: سرمایه‌گذار باید بداند که در زمان سررسید یا ابطال واحدها، اصل سرمایه و سود خود را به همان ارز دریافت خواهد کرد. ممنوعیت تسویه ریالی در مقررات اقدامی مثبت است، اما کافی نیست و باید در مقام اجرا نیز رعایت شود. اگر فرد با اسکناس وارد صندوق شده، باید اسکناس پس بگیرد، نه اینکه در تله ابهام ارز معادل و پیچ‌وخم بوروکراسی بانکی گرفتار شود. وی ادامه داد: مردم در بسیاری از موارد ارز را با هدف سودآوری خریداری نمی‌کنند، بلکه آن را ابزاری برای حفظ ارزش دارایی خود در برابر تورم و کاهش قدرت خرید ریال می‌دانند. این کارشناس درباره تأثیر این ابزار بر بازار آزاد گفت: این صندوق‌ها به تنهایی نمی‌توانند نرخ ارز را مهار کنند، اما می‌توانند بخشی از تقاضای موجود در بازار غیررسمی را کاهش دهند. اگر صندوق ارزی بتواند بازدهی مناسب، نقدشوندگی واقعی و تضمین بازپرداخت ارزی ارائه دهد، بخشی از این تقاضای احتیاطی از بازار غیررسمی خارج و وارد بستر رسمی خواهد شد. حاکم مکان، عضو کمیسیون اقتصادی مجلس نیز راه‌اندازی این صندوق‌ها را اقدامی مثبت و در راستای منافع ملی می‌داند و معتقد است این ابزار می‌تواند سرمایه‌های ارزی خانگی را به چرخه رسمی اقتصاد بازگرداند. او تأکید کرد: مهم‌ترین موضوع این است که سرمایه‌گذار اطمینان یابد ارزی که در صندوق می‌گذارد، در زمان نیاز با همان شکل ارزی به او بازگردانده خواهد شد.

این صندوق‌ها در صورت طراحی درست، مزیتی کلیدی دارند و می‌توانند پلی میان پس‌انداز ارزی مردم و نیاز ارزی تولیدکنندگان بسازند. صندوق ارزی را بیش از آنکه بتوان نسخه‌ای برای مهار نرخ دلار دانست، باید ابزاری برای مدیریت تقاضا و سامان‌دهی پس‌اندازهای خرد ارزی تلقی کرد. این ابزارها می‌توانند تقاضای احتیاطی بازار آزاد را کاهش دهند، ریسک نگهداری ارز در خانه را از بین ببرند و منابع را به سمت تولید سوق دهند؛ اما دستیابی به همه این مزایا تنها یک پیش‌شرط اساسی دارد: مردم باید باور کنند که شبکه بانکی و دولت، این بار حتی در روزهای سخت نیز به تعهدات ارزی خود پایبند خواهند ماند.

تبعات رها شدن نرخ ارز برای اقتصاد ایران

افزایش نرخ ارز تنها به بازار ارز محدود نمی‌ماند. رشد نرخ رسمی و آزاد دلار، هزینه واردات مواد اولیه و کالاهای واسطه‌ای را بالا می‌برد و از این مسیر می‌تواند به افزایش هزینه تولید، بالا رفتن قیمت کالاهای مصرفی و کاهش قدرت خرید خانوار منجر شود. در چنین شرایطی، اعلام اینکه «اشتبا تورم متوقف شده است» بدون ارائه توضیح درباره سطح قیمت‌ها و مسیر نرخ ارز، برای افکار عمومی قانع‌کننده نیست. در شرایطی که دلار از مرز ۲۰۰ هزار تومان عبور کرده است، جامعه بیش از هر زمان دیگری نیازمند یک برنامه روشن، قابل اندازه‌گیری و قابل ارزیابی است؛ برنامه‌ای که به جای توجیه وضعیت موجود، مسیر بازگشت ثبات به بازار ارز و جلوگیری از فرسایش بیشتر ارزش پول ملی را نشان دهد. گفتاردرمانی و فراگفتی نمی‌تواند کاهش قدرت خرید مردم و فشار بر تولید را پنهان کند؛ آنچه اقتصاد ایران اکنون به آن نیاز دارد، پاسخ‌گویی درباره عملکرد و ارائه راه‌حل‌های عملی است.

یادداشت

هرمز و باب‌المندب؛ معماری جدید بازدارندگی

محسن پوردادفر
روزنامه‌نگار

فارین افروز در تحلیلی قابل تأمل، پیشروی‌های اخیر انصاالله در یمن را صرفاً تحولات داخلی این کشور نمی‌داند، بلکه آن را بخشی از تغییر بزرگ‌تر در معادله جنگ منطقه ارزیابی می‌کند. تغییری که با تسلط انصاالله بر بندر المحّا و جزیره راهبردی پریم، عملاً یک «جبهه دوم» علیه عربستان و متحدان آمریکایی آن ایجاد کرده است. اعتراف رسانه‌ای از این جنس، حتی اگر با ادبیات مطلوب غرب نوشته شده باشد، یک واقعیت روشن را عیان می‌کند که مقاومت یمن دیگر بازیگر حاشیه‌ای میدان نیست.

انصاالله روزهای اخیر با حمله به تأسیسات نفتی عربستان و سپس شکست نیروهای دولت مورد حمایت ریاض، نشان داده است که ابتکار عمل را در دست گرفته است. اهمیت تصرف پریم نیز دقیقاً از همین جا ناشی می‌شود؛ جزیره‌ای در دهانه باب‌المندب که کنترل آن می‌تواند موازنه قدرت در یکی از مهم‌ترین گلوگاه‌های دریایی جهان را تغییر دهد. فارین افروز صراحتاً می‌نویسد که انصاالله این وضعیت می‌تواند به «قدرت تعیین‌کننده» در باب‌المندب تبدیل شود.

اما نقطه مهم‌تر تحلیل، جایی است که نویسندگان به پیوند میان تنگه هرمز و باب‌المندب اشاره می‌کنند. در حالی که ایران با اعمال فشار بر هرمز، مسیرهای انرژی را برای آمریکا و متحدانش دشوار کرده، انصاالله نیز توانسته مسیر جایگزین صادرات نفت عربستان از دریای سرخ را تهدید کند. طبق همین گزارش، از زمان آغاز حملات انصاالله صادرات نفت عربستان از مسیر باب‌المندب ۹۵ درصد کاهش یافته است. یعنی آنچه آمریکا و رژیم صهیونیستی تلاش داشتند به عنوان فشار یک طرفه بر ایران طراحی کنند، در حال تبدیل شدن به معادله‌ای چندلایه است که در آن هرفشار، با فشار دیگری پاسخ می‌گیرد.

از همین رو فارین افروز از شکل‌گیری وضعیتی سخن می‌گوید که در صورت تداوم، ایران در هرمز و انصاالله باب‌المندب می‌توانند عملاً بر دو گلوگاه حیاتی تجارت جهانی اثر بگذارند. این همان کابوسی است که واشنگتن و ریاض نمی‌خواهند به زبان بیاورند: دیگر نمی‌توان جنگ را در یک جغرافیا محصور کرد.

جالب آنکه خود تحلیلگران آمریکایی نیز به ناتوانی گزینه نظامی اذعان دارند. آنها اعتراف می‌کنند که نیروهای دولت یمن پراکنده و فاقد انسجام هستند و حتی حمایت نظامی عربستان نیز نتوانسته مانع پیشروی انصاالله شود. آمریکا نیز با گرفتاری در بحران ایران و فشار نظامی در هرمز، تمایلی به باز کردن یک جبهه جدید ندارد؛ حتی ترامپ در خواست‌های ریاض برای حمله هوایی به انصاالله ارد کرده است.

بنابراین مسئله اصلی تغییر هندسه قدرت در منطقه است. انصاالله امروز هزینه جنگ علیه محور مقاومت را برای آمریکا و متحدانش بالا برده و نشان داده است که مقاومت می‌تواند از جغرافیای محلی عبور کرده و معادلات انرژی و تجارت جهانی را نیز تحت تأثیر قرار دهد.



احسان میرباقری

روزنامه‌نگار

دونالد ترامپ در جریان سفر دو روزه خود به ایرلند، در دیدار با میشل مارتین، نخست‌وزیر این کشور، ناگهان وارد موضوعی شد که اساساً به تصمیم مردم ایرلند شمالی و چارچوب‌های سیاسی میان لندن و دوبلین مربوط است. ترامپ گفت دوست دارد ایرلند متحد را ببیند و مدعی شد اتحاد ایرلند «بالاخره اتفاق خواهد افتاد» و بنابراین «ممکن است همین حالا اتفاق بیفتد.»

این اظهارات در شرایطی بیان شد که تنها دو هفته پیش، اندی برنهام، نخست‌وزیر انگلیس، گفته بود برگزاری همه‌پرسی درباره اتحاد ایرلند در شرایط کنونی روی میز نیست، چراکه اکثریت لازم برای چنین اقدامی وجود ندارد.

ترامپ اما ظاهراً برای خودش این حق را قائل است که درباره آینده مرزها و ساختار سیاسی کشورهای دیگر نسخه بیچد. همان رویکردی که پیش‌تر درباره گرینلند و حتی پیوستن کانادا به آمریکا مطرح کرده بود. تفاوت فقط در این است که این بار سخنان رئیس‌جمهور آمریکا در قلب اروپا و در موضوعی با سابقه‌ای طولانی از مناقشه سیاسی و خشونت مطرح شده است.

تصمیم مردم یا علاقه ترامپ؟

واکنش لندن تقریباً بلافاصله از راه رسید. دفتر نخست‌وزیر انگلیس اعلام کرد موضع دولت درباره اتحاد ایرلند تغییری نکرده است. برنهام نیز پیش‌تر تصریح کرده بود تا زمانی که حمایت اکثریت عمومی از برگزاری همه‌پرسی ایجاد نشود، چنین همه‌پرسی‌ای برگزار نخواهد شد. گاوین رابینسون، رهبر حزب اتحادگرای دموکراتیک، نیز پاسخ روشنی به ترامپ داد و گفت آینده قانون اساسی ایرلند شمالی را مردم این منطقه تعیین می‌کنند، نه اظهار نظرهای لندن، دوبلین یا واشنگتن.

استاندارد دوگانه‌ای که رسوا می‌شود

تناقض ماجرا زمانی آشکارتر می‌شود که رفتار ترامپ را در کنار ادبیات همیشگی واشنگتن درباره «حاکمیت ملی» و «تمامیت ارضی» و «حق تعیین سرنوشت» قرار دهیم.

آمریکا سال‌هاست در نقاط مختلف جهان، از خاورمیانه تا شرق اروپا، با همین ادبیات درباره مرزها، دولت‌ها و آینده سیاسی ملت‌ها موضع می‌گیرد. اما وقتی رئیس‌جمهور آمریکا درباره آینده بخشی از قلمرو بریتانیا اظهار علاقه می‌کند، ناگهان همه چیز به یک پاسخ بدها و نظر شخصی تقلیل پیدا می‌کند. ترامپ بعداً تلاش کرد شدت اظهاراتش را کاهش دهد و گفت سؤال درباره اتحاد ایرلند از آن پرسش‌هایی است که هیچ پاسخ خوبی برای آن وجود ندارد و افزود پاسخ خوبی داده است. او حتی گفت درباره این مسئله فردا نگران خواهیم شد و اتحاد ایرلند را خیلی با حال توصیف کرد.

اما مسئله فقط یک شوخی یا جمله انتخاباتی نیست. رئیس‌جمهور آمریکا در جایگاهی قرار دارد که حتی یک جمله او می‌تواند در مناسبات داخلی کشورها بحران سیاسی ایجاد کند.

از گزافه‌گویی جنجالی تا اعتراض خیابانی

حاشیه‌های سفر ترامپ البته تنها به مسئله اتحاد ایرلند محدود نماند. هزاران نفر در دوبلین علیه حضور رئیس‌جمهور آمریکا تظاهرات کردند و معترضان سیاست‌های واشنگتن، حمایت از رژیم صهیونیستی و جنگ‌های آمریکا را هدف قرار دادند. براساس گزارش رسانه‌های ایرلندی، بیش از ۱۰ هزار نفر در مرکز دوبلین راهپیمایی کردند.

ترامپ در پاسخ به پرسش درباره اعتراضات گفت تظاهراتی ندیده است. ادعایی که با تصاویر منتشر شده از خیابان‌های دوبلین و تجمعات اعتراضی در تضاد آشکار قرار داشت. در فرودگاه شانون و منطقه دونبگ نیز تجمع‌های اعتراضی برگزار شد و معترضان شعارهایی در حمایت از فلسطین و علیه

دخالت تازه رئیس‌جمهور آمریکا برای اروپا حاشیه‌ساز شد

ایرلند؛ طمع تازه ترامپ

دونالد ترامپ بار دیگر نشان داد برای دولت آمریکا حق تعیین سرنوشت تا جایی خوب است که با منافع واشنگتن تعارض پیدا نکند. رئیس‌جمهور آمریکا در سفر به ایرلند، این بار نه درباره تعرفه و تجارت، بلکه درباره آینده سرزمینی یک کشور دیگر اظهار نظر کرد و گفت که عاشق دیدن ایرلند متحد است و چون این اتفاق بالاخره رخ خواهد داد، چه بهتر که همین حالا اتفاق بیفتد. سخنانی که حتی لندن و متحدان سیاسی انگلیس را به واکنش واداشت و بار دیگر استاندارد دوگانه کاخ سفید را عیان کرد.

حضور نظامی آمریکا سر دادند. حتی کاترین کانلی، رئیس‌جمهور ایرلند، در دیدار با ترامپ بر مخالفت مردم این کشور با عادی‌سازی جنگ و نسل‌کشی تأکید کرد و بر اهمیت سازمان ملل سخن گفت. نهادی که ترامپ بارها از آن انتقاد کرده است.

درس دیگر برای دلبستان به آمریکا

ماجرای اخیر را نباید صرفاً یک «حاشیه ترامپی» دید. رئیس‌جمهور آمریکا بار دیگر نشان داد در نگاه او، مرز میان سیاست خارجی، منافع شخصی، نمایش رسانه‌ای و اظهار نظرهای لحظه‌ای تا چه اندازه باریک شده است. همان سیاستمداری که درباره گرینلند سخن می‌گوید، درباره الحاق کانادا اظهار نظر می‌کند و درباره آینده سرزمین‌های دیگر نسخه می‌پیچد، حالا در دوبلین نیز برای آینده ایرلند تعیین تکلیف می‌کند. گویی نقشه جهان تخته‌ای است که رئیس‌جمهور آمریکا هر وقت خواست می‌تواند روی آن خط بکشد و پاک کند.

ترامپ اگر واقعاً به حق تعیین سرنوشت باور دارد، بهتر است آن را از داخل مرزهای آمریکا آغاز کند و اجازه دهد ملت‌ها بدون فشار، تهدید و مداخله واشنگتن درباره سرنوشت خود تصمیم بگیرند. حاشیه جدید ترامپ، بیش از آنکه درباره آینده ایرلند باشد، تصویری روشن از منطق حاکم بر سیاست خارجی آمریکا است. وقتی واشنگتن تصمیم بگیرد، حاکمیت دیگران قابل مذاکره است اما وقتی دیگران تصمیمی برخلاف خواست واشنگتن بگیرند، ناگهان تمامیت ارضی و قواعد بین‌المللی مقدس می‌شود.

موضوعی که دلبستان به تفاهم‌نامه اسلام‌آباد نیز باید آن را درک کنند که حتی اگر آمریکا به تفاهم‌نامه هم برگردد در نهایت برای ادامه و اجرای هر بند از آن درخواست نامعقولی را مطرح خواهد کرد.

کانادا، ایرلند، گرینلند، ونزوئلا و دیگر کشورها همه درس‌هایی از سیاست خارجی آمریکا به ما می‌دهند که خوب است به عنوان یک الگو به آنها نگاه کنیم تا از هزینه بیشتر برای کشور جلوگیری شود.

یادداشت

فرصت سازی رئیسی؛
فرصت سوزی پزشکیانحسین خوش‌رو
روزنامه‌نگار

۳۰ آبان ۱۴۰۲، در شرایطی که جنگ غزه تازه آغاز شده بود، شهید آیت‌الله رئیسی با پیگیری و ابتکار ایران، نشست فوق‌العاده مجازی سران بریکس را برای بررسی بحران فلسطین و غزه به صحنه آورد. این نشست در شرایطی برگزار شد که اعضای بریکس درباره بسیاری از مسائل اختلاف نظر داشتند، اما موضع محکم و صریح رئیس‌جمهور وقت ایران درباره جنایات رژیم صهیونیستی، به یکی از محورهای اصلی موضع مشترک این گروه تبدیل شد. در نهایت نیز بریکس در بیانیه خود جنایات جنگی و حملات اسرائیل در غزه را محکوم کرد.

حالا اما در یکی از مهم‌ترین بزنگاه‌های امنیت ملی ایران، یعنی پس از حملات مستقیم آمریکا و رژیم صهیونیستی به کشورمان، بیانیه پایانی بریکس حتی نامی از آمریکا و رژیم صهیونیستی به عنوان عاملان حمله نمی‌آورد و به جای محکومیت صریح تجاوز، از «نگرانی عمیق» درباره تشدید درگیری‌ها و «حداکثر خویشتنداری» سخن می‌گوید. این درحالی است که عمده اعضای بریکس در مواضع جداگانه خود بارها این حملات را محکوم کرده‌اند.

تفاوت بهره‌برداری ایران از ظرفیت بریکس در دولت شهید رئیسی و پزشکیان نشانه‌ای از تفاوت وزن و اثرگذاری دیپلماسی ایران در نهاد‌های بین‌المللی است. در دولت شهید رئیسی، ایران توانست از ظرفیت بریکس برای تبدیل یک بحران منطقه‌ای به موضوعی با موضع مشترک میان قدرت‌های غیرغربی استفاده کند؛ اما امروز، پس از تجاوز مستقیم به خاک ایران، حتی گرفتن یک محکومیت صریح و روشن از همان مجموعه نیز به دست نیامده است.

به بیان دیگر دستگاه دیپلماسی دولت چهاردهم نتوانسته اجماع سیاسی در بریکس ایجاد کند که حمله به یکی از اعضای این مجموعه، آن هم توسط آمریکا و رژیم صهیونیستی، به صراحت محکوم شود. بریکس یکی از ستون‌های نظم جدید جهانی و یکی از ابزارهای مقابله با یکجانبه‌گرایی آمریکا باشد، مخالفت اخیر چین و روسیه در شورای حکام و شورای امنیت با طراحی‌های آمریکایی علیه ایران در کنار محکوم نکردن صریح تجاوز نظامی به یک عضو آن، به خوبی نشان‌دهنده کم‌کاری دستگاه دیپلماسی کشور است.

البته این نقد به معنای نادیده گرفتن اختلاف منافع میان اعضای بریکس نیست؛ اتفاقاً هنر دیپلماسی در همین جاست که بتواند اختلاف منافع اعضا را به حداقل‌های مشترک و گرفتن موضع روشن در برابر تجاوز به یک عضو تبدیل کند. اینکه امروز چنین حداقلی نیز محقق نشده، باید برای دستگاه دیپلماسی یک سؤال جدی باشد. در واقع، مسئله فقط یک بند حذف‌شده از یک بیانیه نیست؛ مسئله، سنجش اعتبار دیپلماسی ایران در یکی از مهم‌ترین نهاد‌های نظم در حال ظهور جهانی است.

سیگنال
اشتباه
دیپلمات‌ها

هر بار تهران از تفاهم می‌گوید، واشنگتن آن را تمام‌شده می‌خواند؛ و حمله‌ای جدید می‌کند، نیروهای مسلح ایران پاسخ می‌دهد، نفت بالا می‌رود و سپس پیام‌های سیاسی از دولت دوباره قیمت را پایین می‌آورد؛ این چرخه در ماه‌های اخیر چندین بار تکرار شده و اکنون توافق عمان نیز در معرض همان سرنوشت قرار گرفته است. تجربه نشان داده امید بستن به وعده‌های واشنگتن، نه تنها مانع فشار آمریکا نشده، بلکه فرصت استفاده از تبعات اقتصادی و ژئوپلیتیک پاسخ ایران را نیز محدود کرده است.

آمریکا به تعهدات تفاهم‌نامه اسلام‌آباد را شرط بازگشایی هرمز دانسته است؛ موضعی که بار دیگر موضوع تفاهم اسلام‌آباد و نحوه مواجهه دولت با رفتار واشنگتن را به صدر بحث‌ها بازگردانده است.

محسن فرهمند
روزنامه‌نگار

تفاهم، همچنان بازگشت آمریکا به این تفاهم را در محاسبات خود وارد می‌کنند. این وضعیت زمانی عجیب‌تری می‌شود که رفتار عملی آمریکا نیز دقیقاً در جهت مخالف این امید حرکت کرده است. پس از چندین موضع‌گیری صریح ترامپ، حملات جدید آمریکا به ایران، فشار بر زیرساخت‌ها و حوادثی نظیر جنایت جنگی هدف قرار دادن عروسی سیریک، دیگر جایی برای تفسیر خوش‌بینانه رفتار واشنگتن باقی نمی‌گذارد. با این حال، مسیر دیپلماتیک همچنان به همان نقطه بازمی‌گردد.

در همین چارچوب، اظهارات حدود دو ماه قبل جی‌دی ونس نیز قابل تأمل است؛ جایی که معاون رئیس‌جمهور آمریکا تفاهم را در چارچوب افزایش عرضه نفت به بازارهای جهانی و جبران کاهش نفت نفتی آمریکا توصیف کرد. یعنی حتی در روایت مقام آمریکایی، این تفاهم چیزی بیشتر از یک محاسبه اقتصادی و انرژی برای واشنگتن نبوده است.

در میدان اما اتفاق دیگری رخ داد. نیروهای مسلح پس از حملات جدید آمریکا، با پاسخ سنگین موشکی به

تفاهم، همچنان بازگشت آمریکا به این تفاهم را در محاسبات خود وارد می‌کنند. این وضعیت زمانی عجیب‌تری می‌شود که رفتار عملی آمریکا نیز دقیقاً در جهت مخالف این امید حرکت کرده است. پس از چندین موضع‌گیری صریح ترامپ، حملات جدید آمریکا به ایران، فشار بر زیرساخت‌ها و حوادثی نظیر جنایت جنگی هدف قرار دادن عروسی سیریک، دیگر جایی برای تفسیر خوش‌بینانه رفتار واشنگتن باقی نمی‌گذارد. با این حال، مسیر دیپلماتیک همچنان به همان نقطه بازمی‌گردد.

در همین چارچوب، اظهارات حدود دو ماه قبل جی‌دی ونس نیز قابل تأمل است؛ جایی که معاون رئیس‌جمهور آمریکا تفاهم را در چارچوب افزایش عرضه نفت به بازارهای جهانی و جبران کاهش نفت نفتی آمریکا توصیف کرد. یعنی حتی در روایت مقام آمریکایی، این تفاهم چیزی بیشتر از یک محاسبه اقتصادی و انرژی برای واشنگتن نبوده است.

در میدان اما اتفاق دیگری رخ داد. نیروهای مسلح پس از حملات جدید آمریکا، با پاسخ سنگین موشکی به

عراقچی در گفت‌وگو با «العربی الجديد» در روزهای گذشته اظهار داشت بازگشت آمریکا به تفاهم‌نامه اسلام‌آباد شرط بازگشایی هرمز است.

نگاهی به سیر مواضع و تحولات ۷ ماه اخیر نشان می‌دهد در سیاست خارجی فعلی ایران، تحت مدیریت قالیباف، پزشکیان و عراقچی یک الگوی تکرارشونده شکل گرفته است؛ دولتمردان هر بار با اتکا به یک مسیر تازه، از توافق و تفاهم سخن می‌گویند، اما طرف آمریکایی بلافاصله یا همان توافق و مذاکره را بی اعتبار اعلام می‌کند یا با اقدام نظامی و فشار تازه، معنای واقعی مواضع خود را نشان می‌دهد. پس از آن، پاسخ نیروهای مسلح قهرمان ایران معادله را تغییر می‌دهد و بازار نفت نیز واکنش صعودی نشان می‌دهد؛ اما دوباره مواضع سیاسی وزارت خارجه، چرخه را به نقطه اول بازمی‌گرداند. با این حال، پزشکیان و عراقچی و قالیباف شاید برای فرار از پاسخگویی درباره فریب خوردن در

سیاست خارجی

جفری ساکس: پایان دادن به جنگ تنها یک راه دارد، آمریکا به خانه بازگردد

جفری ساکس، اقتصاددان و استاد دانشگاه کلمبیا در گفت‌وگویی با تشریح تحولات ژئوپلیتیکی اخیر، سیاست خارجی آمریکا را مبتنی بر تداوم هژمونی این کشور دانسته و تأکید کرد که جهان وارد مرحله‌ای چندقطبی شده است که در آن دیگر امکان تحمیل اراده یک قدرت بر سایر کشورها وجود ندارد. ساکس در گفت‌وگو ویژه با مرکز مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه با اشاره به تحولات اخیر منطقه، انگیزه‌های آمریکا و رژیم صهیونیستی را متفاوت اما در برخی زمینه‌ها هم‌راستا ارزیابی کرده و گفت که آمریکا همچنان به دنبال حفظ هژمونی جهانی و منطقه‌ای خود است، در حالی که رژیم صهیونیستی نیز اهدافی برای تثبیت هژمونی منطقه‌ای دنبال می‌کند. این استاد دانشگاه کلمبیا در بخش دیگری از این گفت‌وگو ظهور چین و شکل‌گیری جهان چندقطبی را مهم‌ترین تحول ژئوپلیتیکی دوران معاصر دانست و گفت که آمریکا دیگر تنها ابرقدرت جهان نیست. او تأکید کرد که چین، روسیه، ایران، کشورهای عضو بریکس و سازمان همکاری شانگهای خواهان جهانی چندقطبی هستند و تلاش برای بازگرداندن نظم تک‌قطبی با واقعیت‌های جدید سازگار نیست. این استاد دانشگاه در مهم‌ترین بخش از اظهارات خود به راهکار پایان جنگ پرداخته و با بیان این که نسبت به امکان دستیابی به یک توافق رسمی میان ایران و آمریکا خوش بین نیست، گفت: «برای پایان دادن به این جنگ یک راه عملی وجود دارد؛ آمریکا به خانه بازگردد، تمام.»



رقص روی خون مردم ایران

محمد قربانی
روزنامه‌نگار

تصاویر منتشرشده از رقص و پایکوبی عوامل فیلم به‌اصطلاح ایرانی «کمی نور» بر روی فرش قرمز و حواشی هشتاد و سومین دوره جشنواره فیلم ونیز، بار دیگر نقاب از چهره جریانی برداشت که هنر را نردبانی برای خودنمایی، تحقیر هویت ملی و جلب لبخند رضایت محافل ضدایرانی و اروپایی قرار داده‌اند.

این صحنه‌ها و رفتارهای سرمستانه، یک سند آشکار از تناقض و بی‌صدافتی جریان شبه‌روشنفکری سفارشی‌ساز است. اثری که با سرمایه‌گذاری چند کشور خارجی (از کانادا و ترکیه تا برخی دولت‌های اروپایی) و با ادعای پرداختن به رویدادهای تلخ و بحران‌های جامعه ایران ساخته شده، فیلم تلاش می‌کند تصویری سیاه، بن‌بست‌زده و درمانده از زندگی ایرانیان به نمایش بگذارد؛ اما درست در لحظه‌ای که دوربین‌های رسانه‌ای غربی روشن می‌شوند، همان سازندگان و بازیگران که سنگ غم و رنج مردم را به سینه می‌زدند، بر روی خون‌ها و اندوه‌های ادعایی خود به رقص و طرب می‌پردازند.

برای این طیف از فیلم‌سازان، التهابات اجتماعی و حوادث تلخ کشور، سوژه‌ای برای حضور در صیافت‌های پرزرق و برق اروپاست. آنان «رنج» مردم را قاب می‌گیرند تا بتوانند با آن در ایتالیا و فرانسه برای خود کف و سوت بخرند. خنده‌ها و رقص‌های مستانه عوامل این فیلم درست پس از نمایش اثر، عیان‌ترین گواه بر این است که این مدعیان تاجه اندازه با درد واقعی مردم فاصله دارند و تلخی‌ها را صرفاً به عنوان ارز صادراتی برای پاسپورت‌های جشنواره‌ای خود مصرف می‌کنند.

اگر سازندگان فیلم ذره‌ای به شعارهایی که در مصاحبه‌های خارجی سر می‌دهند و ادعاهایی که درباره همدردی با آسیب‌دیدگان حوادث دارند پایبند بودند، حرمت سوژه‌ای را که دستمایه فیلم‌شان قرار داده بودند ننگه می‌داشتند. پایکوبی علنی روی فرش قرمز، توهینی آشکار به افکار عمومی و نشانه‌ای از بی‌اعتنایی مطلق آنان به هر آن چیزی است که نام «درد مردم» بر آن گذاشته‌اند. حتی همان مردمی که اینها معتقدند در حوادث دی ماه توسط نظام اسلامی کشته شده‌اند؛ هم‌دردی و یاد کردن از کودکان میناب پیشکش.

چرا سینماگران ایرانی از موانع و مشکلاتی که غرب بر سر مردم ایران آوار کرده حرفی در جشنواره‌های آنورآبی نمی‌زنند؟

نمایش و دیگر هیچ

ذات سینما با جلوه‌گری و نمایش عجین است و چندان نمی‌توان از سینماگران انتظار داشت سرمایه اجتماعی نظام اسلامی باشند؛ لذا اگر اراده‌ای جدی وجود دارد، باید در برابر این رویکرد ایستادگی کرد. تقریباً هرگز پیش نیامده است سینماگران ایران برای فیلم‌های خود به جشنواره‌های اروپایی و آمریکایی بروند و از ظلم دولت‌های غربی علیه مردم ایران سخن به میان آورند. آنان در عوض برای به رسمیت شناخته شدن نزد غربی‌ها، به بهانه مخالفت با

ساختار، از هویت ایرانی فاصله می‌گیرند. اصغر فرهادی هنگام دریافت اسکار جدایی نادر از سیمین یا فروشنده، هیچ اشاره‌ای به نقش آمریکا در مشکلات ایران نکرد. مجید مجیدی، سعید روستایی و عباس کیارستمی نیز مطلقاً کاری با ظلم آمریکا و اروپا ندارند. مانی حقیقی نیز سال‌ها پیش در برابر پرسش‌های سیاسی خبرنگاران عصبانی شد و اصل نقد آنان را نپذیرفت، بلکه فقط خواستار صحبت پیرامون سینما شد و سکوت کرد.

مسعود حنیفی
روزنامه‌نگار

صرفاً درخواست کرد حاضران فقط درباره جنبه‌های هنری آثار او صحبت کنند.

این واکنش نشان می‌دهد حتی وقتی هنرمندی تلاش می‌کند از سیاست فرار کند، در عمل پذیرای قواعد بازی طرف مقابل است. غربی‌ها دقیقاً می‌خواهند هنرمند ایرانی در حبابی از بی‌تفاوتی نسبت به ظلم واقع شود تا بتواند روایت دلخواه خود را از ایران ترویج دهد. این فضای مسموم نیازمند یک تغییر بنیادین است. اگر مسئولان و نهادهای فرهنگی واقعاً به دنبال تقویت سرمایه اجتماعی نظام هستند، نمی‌توانند تماشاگر این همه بی‌تفاوتی باشند. سینماگران ما باید بدانند حضور در وترین‌های غربی بدون مطالبه‌گری درباره جنایات و تحریم‌های آنان، تنها به معنای تأیید ضمنی همان ساختار ظالمانه است.

آن‌ها با انسان‌زدایی از مفاهیم ملی و تبدیل ایران به یک سوژه صرفاً هنری، در واقع به دشمن کمک می‌کنند تا افکار عمومی جهان را از مسئولیت‌پذیری در برابر رنج‌های مردم این سرزمین معاف کند. راه حل مشکل در ایستادگی و بازتعریف حضور بین‌المللی نهفته است. ما نیازمند نسل جدیدی از فیلمسازان هستیم تا با شجاعت کامل در برابر این رویه بایستند. هنرمند ایرانی باید یاد بگیرد روی فرش قرمز جشنواره‌ها از تأثیر مخرب تحریم‌ها بر درمان بیماران سخن بگوید.

او باید فریاد بزند پشت پرده این جشن‌های پر زرق و برق، دست‌هایی نهفته است تا اقتصاد ملت را فلج کنند. تنها در صورت اتخاذ چنین مواضع قاطعانه‌ای می‌توان امیدوار بود سینما به سنگری برای دفاع از حق و عدالت تبدیل شود. در غیر این صورت، ادامه این مسیر تنها به بی‌اعتباری بیشتر اهل هنر در میان مردم خواهد انجامید و نمی‌توان به رشد واقعی فرهنگ متعهد در جهان امیدوار بود.

در سینمای ایران، او را از بازیگران پیشرو و اثرگذار دانست و از نقش آفرینی‌های ماندگار این هنرمند در اعتلای سینمای کشور تقدیر کرد.

داریوش ارجمند نیز در این دیدار با اشاره به وضعیت این روزهای خود، بر تداوم فعالیتش در عرصه فرهنگ تأکید کرد و گفت: «در هر حالی شکر خدا می‌کنیم. تا وقتی که جان دارم باید برای فرهنگ این مملکت کار کنم و روزی هم که سنگین‌تر از قلم نتوانم چیز دیگری بلند کنم، سراغ نوشتن خاطراتم بروم.»

این دیدار در روز ملی سینما، در حالی انجام شد که داریوش ارجمند طی چند دهه فعالیت هنری، با ایفای نقش‌های متعدد در سینما و تلویزیون، به یکی از چهره‌های شناخته‌شده و ماندگار عرصه بازیگری تبدیل شده است.



همزمان با روز ملی سینما، رائد فریدزاده، رئیس سازمان سینمایی، با حضور در منزل داریوش ارجمند، بازیگر پیشکسوت و مطرح سینمای ایران، با وی دیدار و گفت‌وگو کرد. فریدزاده در این دیدار با اشاره به جایگاه داریوش ارجمند

نوبنیاد

■ صاحب امتیاز:

محسن منصوری

■ مدیر مسئول:

حمیدرضا بیانی

■ تلفن:

۰۲۱-۸۸۴۹۹۳۷۲

■ کدپستی:

۱۵۹۸۹۷۵۷۱۵

■ آدرس: خ سپهبد قرنی خ شادادب پلاک ۲۲ واحد پنج

■ چاپخانه: صمیم

nobonyadonline nobonyadonline

nobonyadonline.ir

فرهنگ

CULTURAL

■ دوشنبه ۲۳ شهریور ۱۴۰۵ ■ سال اول ■ شماره ۱۳۳ ■

یادداشت

چشم‌پوشی از کودکان میناب،

برای تندیس فرعی یک جشنواره

سعید مصباح
روزنامه‌نگار

سال‌آورنده ونیز دیشب شاهد یکی از عجیب‌ترین رویدادهای تاریخ فستیوال ونیز بود. لاله مرزان، بازیگر ایرانی، برنده یکی از جایزه‌های بخش فرعی شد، اما شبیه فاتحان بلامنازع اسکار در سال‌های معتبرش اشک ریخت و صحنه‌ای احساسی اما گروتسک خلق کرد. اما عجیب‌تر از ابراز احساسات مرزان، متنی بود که او دست‌وپا شکسته از روی کاغذ قرائت کرد. او از زانی در ایران سخن گفت که برای آزادی می‌جنگند. ظاهراً مرزان سال‌ها دیر رسیده است و نمی‌داند که این ادا و اطوارها را پیش‌تر بازیگرانی به مراتب حرفه‌ای‌تر و مشهورتر از او روی استیج اجرا کرده‌اند و حتی تهمانده آن نمایش نیز چیزی را نصیب مرزان نمی‌کند. مشخص نیست مرزان از کدام مبارزه صحبت می‌کند و منظور او از آزادی چیست؟ خیابان‌های تهران و سایر شهرها تبدیل به اتاق خواب شده است و هیچ محدودیتی برای زنان وجود ندارد، اما امثال مرزان از مبارزه برای آزادی صحبت می‌کنند؛ موضوعی که این تصور را ایجاد می‌کند که منظور آنها این است که چرا مراکز تن‌فروشی در ایران دایر نیست و گرنه مراحل دیگری از اومانیزم در خصوص زنان در ایران باقی مانده است.

اما مواضع مرزان – که البته مواضع دیگران بود و فقط قرقره‌اش می‌کرد سراسر منفی نبود و ناخواسته باعث شد بخشی از مردم متوجه شوند که برخی از سلب‌ریتی‌های ایرانی چقدر از مرحله پرت هستند و در دنیای دیگری زیست می‌کنند. در حالی که ونیز امسال تحت تأثیر مسئله فلسطین بود، نوبازیگر تازه‌رسیده ایرانی حتی جرئت نکرد از هجوم بیگانه به کشورش سخن بگوید و کشتار زنان و کودکان بی‌گناه وطن خود را محکوم کند. واکنش او به گونه‌ای بود که انگار ۹۰ اسفند به کما رفته و شنبه شب در میانه اهدای جایزه به هوش آمده است. مگر می‌شود یک انسان، چه هنرمند چه غیر از آن، شهادت مظلومانه کودکان کشورش در مدرسه را ببیند، حمله به عروسی و تبدیل آن به مجلس عزرا ببیند، حمله غیرقانونی و ناجوانمردانه دشمن به ناو غیر مسلح ارتش ایران را ببیند که برای تفریح مورد هدف قرار گرفت و حملات وحشیانه به زنان و مردان بیگناه هموطن خود را ببیند و وقتی تریبونی در سطح بین‌المللی به دست می‌آورد حتی یک کلمه از آنان به زبان نیاورد و به جایش مشت‌های مزخرفات کلیشه‌ای تحویل دهد؟ آن‌هم در شرایطی که فیلمسازان اسرائیلی در دفاع از غزه در همین جشنواره فیلم نمایش دادند و مورد تشویق قرار گرفتند! در واقع در این شرایط باید پرسید هنرمند و هنرفروش ایرانی چگونه می‌تواند تا این اندازه تهی از ارزش و هویت شده باشد؟